

ابودر مهدی انقلاب

زهرا شریعتی

گزارش روز

یک سال پیش در چنین روزهایی جوانان عدالت خواه مشهد داغ دار رحلت مردی بزرگ در تاریخ مشهدو حتی ایران شدند،عالمی با شخصیتی جامع که هم در نظر و هم در عمل یک انقلابی به تمام معنا و کم نظیر بود. پدر شهیدی که با وجود خدمات متنوعش برای انقلاب ،نه تنها هرگز ادعا وسهم خواهی نداشت بلکه تا آخرین لحظه عمر، خود را مدیون و خدمتگزار انقلاب می دانست و هم با پرورش شاگردان و هم قلم زدن های صریح و بی باکانه اش همواره درصدد اصلاح انحرافات ورشد و پویایی انقلاب بود. در این مجال بیشتر با حاج حیدر رحیم پور ازغدی به روایت شاگردانش آشنا می شویم.

تبعات حضور م رابه جان می خریدم تا پای صحبتش باشم



معمولا مسئولان به خاطر نقدهای صریح و غیرمحافظة کارانه حاج حیدر دل خوشی از ایشان نداشتند

در شهر خودم هم مظلوم هستم اما منش و اخلاقش طوری بود که گروه های مختلف مردم از هر سنی علاقه مند به استفاده از محضرش بودند. ایشان همچنین جزو معدود افرادی بود که هرگز چشمداشتی به قدرت وثروت نداشت وهرگز از کوچک ترین امتیازی استفاده نکرد، حتی وقتی پسرش حمید به شهادت رسید، سنگ مزارش را هم خودش تهیه کرد. می گفت هیچ چیز از دولت نمی خواهم وظیفه ما این است که خدمت کنیم. بعد از انقلاب نیز پس از چند ماه

مسئولیت اجرایی، عرصه خدمت در صحنه را انتخاب کرد و سراع کار وتلاش برای رفع نیاز جامعه رفت، از کارخانه موزاییک سازی تا دام داری و کشاورزی که گاهی نه تنها سودی برایش نداشت بلکه ضرر هم می کرد ولی چون کار تولید بود ومشکل مردم را حل می کرد، ادامه می داد،

سهیلی همچنین اضافه می کند: «حاج حیدر در عین مباحث جدی ومهمی که مطرح می کرد، خوش برخورد، شوخ طبع و جذاب بود. از دیگر نکات جالب توجه زندگی اش ساد زبستی بود، هر چند قبل از انقلاب وضع مالی اش بهتر بود اما هیچ وابستگی مادی ای نداشت، از این رو هم خدمتگزار انقلاب بود واز هزینه مال برای آن دریغ نداشت وهم با اینکه منزلش محل رفت وآمد وپاتوق بسیاری از مسئولان بلندپایه بود، وضع زندگی و خانه اش

نه راست و نه چپ، انقلابی اصیل بود



مهم ترین خدمت حاج حیدر رحیم پور تربیت نیرو برای انقلاب اسلامی بود

وشوق انگیز بود،

جمع موفق ویزگی های فرهنگ عامیانه با فرهیختگی علمی خورشیدی اضافه می کند: «برای من اکنون نیز که دانش آموخته علوم اجتماعی است واز این منظر به حاج حیدر می نگرد، جمع دو مسئله در حاج حیدر جذابیت دارد، اینکه از یک سو برآمده از سنت عامیانه جامعه ایران و فرهنگ و مرام پهلوانی وجوانمردی ودر خانه اش به روی همه باز بود واز سوی دیگر فرهیختگی وعالمانگی ای داشت که حاصل تحصیل در حوزه وهم دوره بودن بارهبر معظم انقلاب، استاد شریعتی و آیات عظام همچون مجتبی قزوینی بود. جمع بین این دو مؤلفه یعنی ویزگی های فرهنگ عامیانه با فرهیختگی علمی ودانشی و قضا منحصر به فرد است، زیرا برخی فضلا فاضلان صرفا محدود به حیطه علمی است ومثلا دانش معاش خوبی ندارند. نمی توانند زندگی شان را اداره کنند ودر سبک زندگی لنگ می زنند.

ایمان واقعی به سنت های الهی

مسئول دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی الهیات قوی، رویکرد توحیدی وایمان به سنت های الهی را ویزگی شاخص حاج حیدر معرفی می کند ودر پاسخ این پرسش که فردی نواور چون او چگونه فضای مشهد را تاب آورد وهجرت نکرد، ادامه می دهد: «اصولا حاج حیدر آدمی نبود که اگر عرصه برایش تنگ شد، بترسد یا کوتاہ بپاید. چیزی برای باختن نداشت. خودش وخانواده وزندگی اش در خدمت انقلاب بودند واز هزینه دادن برای آرمان ها هراسی



حاج حیدر همواره نیروهایی تربیت می کرد که هرچا بوده اند وهستند، متمر ثر واقع شده اند

برایمان تاریخ مصور بود

او ادامه می دهد: «حاج حیدر برایمان تاریخ معاصر مصور بود واز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا قیام ۱۵ خرداد ۴۲ و پیروزی

قدیمی وپایین تر از متوسط جامعه بود.

هم مدافع، هم منتقد بی تعارف

او وجه تمایز حاج حیدر با سایر علمای زمان را این گونه شرح می دهد: «در میان هم دوره ای های ایشان، برخی افراد صرفا نیروهای فکری ونظری برای انقلاب بودند که وارد عرصه اجرایی شدند و برخی هم صرفا نیروی اجرایی بودند اما ایشان به تناسب نیاز انقلاب در هر دو عرصه حضور پررنگ داشت وفکر وعملش از هم جدا نبود. از جدی ترین مدافعان انقلاب ودر عین حال از صریح ترین منتقدان ایرادات واشکالات به منظور اصلاح بود وبه همه فرزندان وشاگردانش نیز یاد داد که باید با صراحت و صداقت و کنار گذاشتن محافظه کاری، درباره مسائلی که می بینند و اشرف پیدا می کنند، اظهار نظر داشته باشند، زیرا اینکه در نظام اسلامی کسانی باشند که با وجود پایبندی ریشه ای به انقلاب، ولایت، ارزش ها وآرمان ها، بیشترین نقدهای عالمانه را هم داشته باشند، مقوم انقلاب خواهند بود. در عرصه های مختلف بدون محافظه کاری نقد می کرد وهزینه اش را هم می داد، حتی مسئولیت مواضع وانتقادات دیگران را هم می پذیرفت، مثلا اگر روی شاگردانش فشار می آوردند، می گفت من فلان حرف را گفته ام. نه تنها پیش از انقلاب که در دهه ۷۰ نیز زندانی شد تا منزوی شود اما این هرگز باعث نشد متغعل یا ساکت شود و تا پایان عمر شریفش همان روحیه نقد ومطالبه گری را حفظ کرد. اکنون هم پس از رحلتش شاگردان جلسات هفتگی رادر منزلش ادامه داده اند وضمن بازخوانی افکار واندیشه های حاج حیدر، چراغی را که ایشان سال ها قبل برای کادرسازی روشن کرده بود، دوباره برافروخته اند.»

نداشت که میدان را ترک کند، به عبارت دیگر هزینه دادن برایش خط قرمز ومانع نبود. از طرفی هم از لهجه تا خانواده ومثال های صحبت هایش برآمده از سنت اصیل مشهدی بود، با سخاوت، بی تعارف، نترس، متواضع، با ذکاوت، تولیدگر و..... یک قهرمان تمام عیار مشهدی.

ترمیم شکاف بین نسلی نیروهای انقلاب، مهم ترین خدمت حاج حیدر

به عقیده خورشیدی، مهم ترین خدمت حاج حیدر رحیم پور تربیت نیرو برای انقلاب اسلامی بود. او با سخنان، نقدها وروشنگری هایش کمک کرد تا جوانان اطرافش تصویری درست وجامع از انسان انقلابی داشته باشند، زیرا در میانه دهه ۷۰ و ۸۰ به این جمع بندی رسیده بود که دستگاه های فرهنگی متولی تربیت نیرو های انقلابی، ابعاد ی از روحیه انقلابیگری، یعنی مطالبه گری ونقد راسانوسر می کنند، به این ترتیب شکاف بین نسلی میان نیروهای انقلاب را ترمیم کرد. او همچنین ایده های اجرایی خوبی در زمینه صنعت وکشاورزی، جنبش نرم افزاری، مناظره وآزاداندیشی، پویایی حوزه های علمیه وجدیدت در مبارزه با فاساد اقتصادی داشت.

غیرت حاج حیدر به اسلام وتشیع

او همچنین با اشاره به خاطره ای، از غیرت دینی حاج حیدر وتسلطش به آموزه های اسلام می گوید: «با یکی از دوستان دانشگاه که از من بزرگ تر ومنتقد حوزه علمیه بود، پیش حاج حیدر رفتم. دوست من گفت یکی از ضعف های حوزه های علمیه این است که در معارف حوزوی به ابعاد اجتماعی اسلام از جمله عدالت خیلی نپرداخته ومحدود به احکام فردی است. حاج حیدر برافروخته شد وگفت شیشه این گونه نبوده است. ما همه فقهمان اجتماعی است. چه کسی گفته است دین در عرصه های اجتماعی حرف ندارد؟ بعد هم باهمان ناراحتی در کتابخانه راباز کرد وچند کتاب حوزوی قدیمی برداشت واتفاقی برخی صفحات را باز کرد برای دوستم خواند که همه احکام اجتماعی بود وخطاب به دوستم ادامه داد: پسر جان من این کتاب ها را اتفاقی بیرون کشیده وباز کرده ام اما دیدی که چقدر حرف داشت. حالا اگر دقیق مراجعه کنیم که جای خود دارد. آن روز من از نزدیک یقین وغیرت حاج حیدر به اسلام وتشیع را دیدم وحس کردم که گفتار ورفتارش فریاد می رز ما از مسئله وپرسش باکی نداریم، زیرا دینمان پاسخ همه مسائل را دارد.»



شکل گیری جلسات هفتگی جوانان



حاج حیدر محکم وریشه دار بود. کسی نبود که با بادها بلرزد. طی این سال ها هرگز ندیدم از احدی یا جریانی بترسد

روندها وتلنگر به مسئولان بود. حاج حیدر هم زمان (از اواخر دهه ۷۰) با آموزش طبیف وسیع شاگردانش، نسلی از بهترین جوانان انقلابی و عدالت خواه را تربیت کرد که تأثیرات مهم و بسزایی در جریانات دانشجویی داشتند. «خالقی تأکید می کند: «با وجود این مجاهدت ها به جز روزهای ابتدای پیروزی انقلاب دینش کفایت می کرد، او درباره شجاعت خاص فرماندهی ژاندارمری خراسان

را به مدت چند ماه عهده دار شد، هرگز دنبال جایگاه ومسئولیت نبود وپس از انقلاب در پی دستور امام خمینی^(۵) مبنی بر حضور فعال در روستاها و افزایش تولید، همه دارایی وارثیه رافروخت وزمین کشاورزی خرید تا انجام وظیفه اش درباره انقلاب رادر این زمینه ادامه دهد. گذشته از همه این ها اگر حاج حیدر تنها یک نفر مثل آقای حسن رحیم پور رابه انقلاب می داد، برای ادای دینش کفایت می کرد، او درباره شجاعت خاص حاج حیدر معتقد است: «محکم وریشه دار بود. کسی نبود که با بادها بلرزد. طی این سال ها هرگز ندیدم از احدی یا جریانی بترسد. محکم بر سر عقایدش ایستاده بود وسعی می کرد افرادی که از مسیر اسلام ناب منحرف شده اند آگاه کند. انسانی نبود که جا خالی کند وبترسد وپا پس بکشد. بخشی از این نترسی وبی باکی ایشان به تربیت خانوادگی بر می گشت «اجدادش هم ظلم ستیز و عدالت خواه بودند وبخشی دیگر هم به سال هایی که با بزرگان دینی مشهد مانند مرحوم عبدالزاده، محمد تقی شریعتی ورفقای بی چون رهبر معظم انقلاب وعلی شریعتی گذرانده بود.

از ورزش کاری تا حوزه علمیه وکشاورزی

این شاگرد دیرین حاج حیدر، آزادگی وابعاد متنوع شخصیتی را بارزترین وجه تمایز او از هم دوره ای هایش می داند و تصریح می کند: «حاج آقا یک ورزش کار حرفه ای بود که وارد حوزه علمیه شد ،سپس هم زمان با اشتغال به کار کشاورزی وفعالیت اقتصادی، به نویسندگی، فعالیت های انقلابی، تربیت شاگردان وارتنباط قوی با حوزه ودانشگاه همت گماشت. او همچنین از آزاده ترین چهره های سیاسی بود که هیچ گونه وابستگی ای به جریان یا حزب یا فردی نداشت. برای خود صاحب عقیده، سبک وراه مشخص بود وتنها وابسته امام^(۵) و رهبری بود واز آن ها پیروی می کرد. به نیست همین جا به خاطره ای هم از زبان ایشان اشاره کنم که می گفتند آن زمان که مقاله تند ی به نام «نامه ای به پیشگاه تاریخ، نوشته بودم، خدمت رهبر معظم انقلاب رفتم ومقاله رابه ایشان نشان دادم وگایه کردم که روزنامه ها مقالات ما را چاپ نمی کنند. معظم له هم گفته بودند اگر مقالات را چاپ نمی کنند، شب نامه بنویس ویده دانشجویان منتشر کنند که حاج حیدر تا چند سال همین کار را کرد.»

وظیفه داری سوارش کنی

همچنین یکی از جالب ترین خاطراتم از ایشان این است که یک روز که با ما شین همراهِ حاج آقا به سمت مزرعه شان می رفتم، یک روستایی را کنار جاده دید وگفت نگه دار. سوارش کردیم وخوش ویش کرد وتا جایی او را رساندیم. بعد غذایی هم به او داد، بدرقه اش کرد وگفت هر وقت کسی را کنار خیابان یاجاده دیدی، وظیفه داری سوارش کنی واین اجبار است. پرسیدم چرا؟ پاسخ داد: چون بنزی می که در ماشینت می ریزی یارانه همه مردم ایران است که مسئولان با حماقت، آن را فقط به ماشین دارا می دهند.

کادرسازی، مهم ترین خدمت حاج حیدر به انقلاب

به گفته این شاگرد حاج حیدر، کادرسازی، مهم ترین خدمت او به انقلاب بود. ایشان همواره نیروهایی تربیت می کرد که هرچا بوده اند وهستند، متمر ثر واقع شده اند و می شوند. همچنین درحالی که برخی اندیشمندان در یک یا چند بُد موفق هستند، حاج حیدر هم مرد تفکر بود، هم مرد عمل، تفکراتش رادر عمل ثابت می کرد ودر زندگی خودش ده ها نمونه برای اثبات تحقق پذیری گفته هایش داشت. به همین دلیل وقتی می گفت می شود، مخاطبانش باتمام وجود باور می کردند که شدنی است.»

محمد مهدی خالقی، از دیگر جوانان پای منبر حاج حیدر که بیش از دو دهه افتخار شاگردی در محضرش راداشته و اکنون در زمینه مستند سازی منشأ آثار جاب توجهی است، نحوه آشنایی اش با این استاد گران قدر را این گونه شرح می دهد: «حدودا ۲۳ساله ودانشجو بودم که به واسطه رفقای مسجذ سیاباد با حاج حیدر آشنا شدم ودیدم جوانان به صورت پراکنده با ایشان ارتباط دارند.

به همین خاطر تورو ز ۷۹ همه رادور هم جمع کردیم واز او خواستیم جلساتی مستمر رادر منزل خدمتش برسیم که موافقت کرد وهر هفته جمعه شب ها تا پنج سال از محضرش استفاده می کردیم. طی این جلسات خیلی بیشتر با حاج حیدر آشنا شدم، خصوصا در اولین جلسه که به عنوان یک دانشجوی با شور فعالیت فرهنگی سیاسی، چنان مدلش در اداره جلسه وارتنباط با ما بر ایمان جذاب بود که دیگر اصلا نتوانستیم از او جدا شویم.»

ابودر انقلاب

او در وصف روحیات وویژگی های شخصیت حاج حیدر می گوید: «در یکی از جلسات، از ایشان پرسیدند که اگر مخیر بودید شبیه یکی از صحابه پیامبر باشید، دوست داشتید جای کدام یک باشید؟ پاسخ داد جای ابودر وحقیقتا برای انقلاب ابودر بود. عدالت خواه، تحول گرا وآرمان خواه بود. روحیه انتقادی، شجاعت عجیب، قلم بسیار توانا و سابقه سیاسی فرهنگی عمیق داشت که از نهضت نفت در دهه ۲۰ تا کنون راشامل می شد. با بزرگان انقلاب از جمله رهبر معظم انقلاب، محمد تقی شریعتی، شهیدان مطهری وبهشتی وبزرگان حوزه رفاقت دیرینه داشت. هر چند هیچ گاه ملبس نشد (چون تشخیص داده بود که با توجه به شغل وشخصیتش بدون لباس بیشتر می تواند برای انقلاب مؤثر باشد)، عالم ومجتهد برجسته ای بود که از دریچه فقه شیعی به مسائل نگاه ومعارف اسلام رابه شاگردانش منتقل می کرد، فهم وتحلیل دقیق از تحولات ایران وجهان وسائل سیاسی، فرهنگی اقتصادی داشت وروحیه انتقادی اش، پویا ورو به جلو بود، همیشه می گفت از گذشته درس بگیرید واینده رابسازید. همه این ها از ایشان شخصیتی جامع وجذاب برای ما ساخته بود.»

بیش از نیم قرن مجاهدت در راه انقلاب اسلامی این کارگردان مستند ساز درباره خدمات انقلابی حاج حیدر نیز خاطرنشان می کند: «همه خانواده حاج حیدر کف میدان انقلاب حضور داشتند ودر مقاطع مختلف عمرش خدمات ارزنده ای به انقلاب ارائه داده بود. در نهضت سال ۴۲ از یاران حاج شیخ مجتبی قزوینی بود ودر آن زمان همرا با آقایان سررشته دار وغنیان فعالیت وسیعی برای جا انداختن مرجعیت امام خمینی^(۵) در مشهد داشت.

در ماجرای رفتن شیخ مجتبی قزوینی به دیدار امام خمینی^(۵)، از عناصر اصلی و گرداننده بود ودر سال های منتهی به پیروزی انقلاب، از نویسندگان وشب نامه نویس های میرز مشهد، در روزهای ابتدایی پیروزی انقلاب نیز از صحنه گردانان وبرنامه ریزان بود البته بر اساس مرام ومنشش هرگز دنبال خود نمایی نبود وخالصانه کار می کرد. در دوران دفاع مقدس، هم زمان چهار فرزندش در جبهه حضور داشتند. از اواخر دهه ۴۰ هم از نویسندگان مهم سیاسی ومطبوعاتی بود. در روزنامه ها ومجلات بود که یادداشت های انتقادی اش سبب اصلاح

انقلاب را با زبانی شیرین وخیلی روان وراحت برایمان مجسم می کرد، به گونه ای که فکر می کردیم خودمان در متن وقایع بوده ایم. ساده زبستی حاج حیدر نیز از نکات برجسته زندگی اش بود، زیرا با وجود تمکن مالی وزندگی در منطقه ای برخوردار، یک زندگی ساده ومعمولی در حد اضعف مردم داشت. در تعاملاتش خیلی خودمانی وبی تکلف بود، به حدی که وقتی وارد خانه اش می شدیم احساس می کردیم به خانه خودمان وارد شده ایم.»

در کنار نقد، راهکار هم می داد

میرزایی اضافه می کند: «از دیگر شاخصه های بارز زندگی ایشان، نترسی وشجاعت بود که با اینکه افراد مختلف از اقشار واصناف گوناگون پای صحبتش حضور داشتند، از جمله نیروهای امنیتی، هیچ واهمه ای از کسی نداشت وباصراحت حرفش را می رز، نه در لافقا، البته در کنار نقد، راهکار هم ارائه می داد. دنبال این بود که باری از دوش انقلاب بردارد. به همین خاطر در عین فعالیت های سیاسی اجتماعی مستمر در پیش وپس از انقلاب،